کوتاه خارجی

فیلم هندی پا جای پای اودیسه گذاشت

«واراناسی» فیلمی از اس اس راجامولی، دومین فیلمی خواهد بود که پس از «اودیسه»، همه فیلمبرداری خود را با دوربین‌های آی‌مکس انجام



می‌دهد. به گزارش مهر به نقل از ورایتی، فیلم جدید اس اس راجامولی با عنوان «واراناسی» که با بازی ماهش بابو، پریانکا چوپرا جوناس و پریتویراج سوکوماران ساخته می‌شود، فیلمی عظیم است که قرار است عظیم‌تر هم بشود. فیلمبرداری «واراناسی» قرار است به تمامی با آی‌مکس انجام شود و دومین فیلمی شود که پس از «اودیسه» کریستوفر نولان، از فرمت پریمیوم استفاده می‌کند. این فیلم به این ترتیب اولین فیلم غیرانگلیسی زبان خواهد بود که تمامی آن با آی‌مکس فیلمبرداری می‌شود. راجامولی گفته به عمد تیزر عنوان‌بندی را مبهم نگه داشته تا داستان و تجربه فیلم حفظ شود و در عین حال فاش کرده که تولید فیلم به سرعت در حال انجام است و سکانس‌های تکمیل‌شده بلافاصله برای تیم جلوه‌های ویژه ارسال می‌شوند تا بخش‌های مختلف بتوانند به صورت موازی کار کنند. این فیلمساز همچنین تأیید کرد که حدود ۸۰ درصد از فیلم، از جمله بزرگترین سکانس‌های اکشن آن، فیلمبرداری شده است. این فیلمساز هندی که فیلم «RRR» او در سال ۲۰۲۲ در سطح بین‌المللی درخشید، از فیلم جدید به عنوان یک پروژه رویایی یاد کرد و گفت این فیلم بزرگترین و پرهزینه‌ترین فیلم هندی خواهد بود.

کامرون پس از ۲۱ سال به فکر واگذاری آواتار افتاد

جیمز کامرون بار دیگر احتمال کناره‌گیری از کارگردانی مجموعه «آواتار» را مطرح کرده است؛ اما اگر واقعاً کنترل این مجموعه را واگذار کند، این



اتفاق احتمالاً می‌تواند به سود این فرنچایز باشد. به گزارش خبرآنلاین به نقل از گاردین، پس از کارگردانی پرفروش‌ترین سه‌گانه تاریخ سینما و بیش از دو دهه تلاش برای به خدمت گرفتن فناوری، مدیران استودیوها و صدها میلیون دلار تجهیزات فیلمبرداری حرکتی زیر آب، جیمز کامرون این هفته نشان داد که ممکن است آماده باشد آینده مجموعه «آواتار» را به کارگردان دیگری بسپارد. البته او آن‌قدر هالیوود را تحت تأثیر خود قرار داد که در اوایل دهه ۲۰۱۰ تماشای یک فیلم پرفروش بدون عینک‌های پلاستیکی سه‌بعدی آزاردهنده و بدون پرتاب بی‌دلیل اشیا به سمت تماشاگران تقریباً غیرممکن شده بود. با این حال، اکنون به نظر می‌رسد این فیلمساز کانادایی به‌طور جدی در حال بررسی این موضوع است که جنگل زیست‌تاب فضایی چندمیلیارددلاری «آواتار» را به شخص دیگری بسپارد. کامرون در گفت‌وگویی با دنیز دونلون برای مراسم جوایز هنرهای نمایشی فرماندار کل کانادا گفت: «در این مقطع، جهان «آواتار» ۲۱ سال است که در حال پیشرفت بوده، چون ما کار را از سال ۲۰۰۵ شروع کردیم. این مسیر تقریباً بدون وقفه ادامه داشته است. بنابراین اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ام که به چشم‌انداز نگاه می‌کنم و از خودم می‌پرسم: چه داستان‌های دیگری هستند که می‌خواهم تعریف کنم؟ چند مورد از آنها را خودم باید کارگردانی کنم و کدام‌ها را می‌توانم با فیلمسازان دیگر بنویسم یا تهیه‌کنندگی کنم؟» او اضافه کرد: «هنوز هیچ تصمیمی نگرفته‌ام. همچنان در یک وضعیت بینابینی هستم و دارم به نوعی، پرده آخر را ترسیم می‌کنم. نمی‌دانم این پرده آخر یک سال طول خواهد کشید یا ۲۰ سال.» این نخستین بار نیست که کامرون احتمال کنار گذاشتن برنامه‌هایش برای «آواتار» را مطرح می‌کند. او در سال ۲۰۲۲ نیز چنین احتمالی را مطرح کرده بود. در آن زمان، نویسنده این مطلب اشاره کرده بود که با توجه به سرعت پیشرفت ساخت دنباله‌ها، اگر روند تولید به همان شکل ادامه پیدا کند، کامرون تا زمان اکران «آواتار ۵» ۱۰۶ ساله خواهد شد و شاید مجبور باشد آگاهی خود را در بدن یک ناوی آپلود کند! با این حال، تنها دو سال بعد، کامرون تأکید کرد هر کسی که امیدوار است دو فیلم بعدی را از او بگیرد، باید ابتدا با اتوبوس او را زیر بگیرد. به همین دلیل، شنیدن اینکه او بار دیگر در حال بررسی زندگی خارج از پاندورا است، تا حدی غافلگیرکننده است. کامرون بیش از هر فیلمساز دیگری با جهان «آواتار» گره خورده است؛ اما همین کنترل شدید و طولانی‌مدت او بر پروژه باعث شده تولید فیلم‌های این مجموعه سال‌ها زمان ببرد. از سوی دیگر، تجربه پروژه‌هایی که کامرون در آنها از صندلی کارگردانی فاصله گرفته، نشان می‌دهد این انتقال قدرت لزوماً تضمین‌کننده موفقیت نیست. شاید «آواتار» بیش از هر چیز به رها کردن کنترل.

سینما دیگر جامعه را روایت نمی‌کند

سینمای ایران سال‌ها یکی از مهم‌ترین ویترین‌های فرهنگی کشور و نقطه تلاقی طیف‌های مختلف اجتماعی بود، اما امروز خود به آینه‌ای از چندپارگی جامعه تبدیل شده است؛ بخشی از سینماگران مهاجرت کرده و به مواضع سیاسی رادیکال رسیده‌اند، بخشی در داخل مانده‌اند اما تصویری ارائه می‌کنند که با زندگی واقعی بخش بزرگی از جامعه فاصله دارد و بخش دیگری نیز به سینمای زیرزمینی پناه برده است.

به گزارش رویداد۲۴، چند روز پیش کاظم دانشی در مصاحبه‌ای گفته بود که هنرمندانی که از ایران مهاجرت کرده‌اند، زمانی که در ایران بودند از هیچ پروژه‌ای نمی‌گذشتند حالا به ما می‌گویند حکومتی. این مصاحبه فارغ از میزان درست یا غلطی آن نشان دهنده چند پاره شدن سینمای ایران است. سینمایی که زمانی مهم‌ترین ویترین حاکمیت برای انسجام ملی بود حالا تبدیل شده به هنر–صنعتی که حتی توانایی جذب مخاطب داخلی را هم ندارد و این به غیر از غم‌انگیز بودن، نشان‌گر وضعیت تلخ جامعه ایرانی است.

همین چند سال پیش بود که جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین حادثه فرهنگی کشور تلقی می‌شد و فیلمسازان مختلف با گرایش‌های متنوع و متفاوت در آن شرکت می‌کردند و مردم فارغ از هر عقیده‌ای جلوی سینماهای نمایش دهنده صف می‌بستند تا جز اولین تماشاگران فیلم‌های ایرانی باشند، اما در سال‌های اخیر خصوصاً بعد از حوادث سال ۱۴۰۱ سینمای ایران به طور کامل انسجام خود را از دست داده است.

اما سوالی که شاید برای مخاطب به وجود بیاید این است که چرا سینمایی که زمانی رونق بخش جامعه ایران و یکی از سرگرمی‌های همیشگی طبقه متوسط بود به چنین روزی افتاده است؟ بخشی از چهره‌های آن مهاجرت کرده‌اند و تبدیل به اپوزوسیون فعال حاکمیت شده‌اند، بخشی دیگر به جای حضور فعال در سینماها در پلتفرم‌های آنلاین مشغولند و پول کلان می‌گیرند و بخشی دیگر هم خانه نشین شده‌اند و اساساً کاری برای آنها باقی نمانده که انجام دهند.

این وضعیت کنونی سینمای ایران است. سینمایی چند پاره که اتفاق‌های مهم آن نه توسط فیلمسازان جریان اصلی که توسط



فیلمسازانی رقم می‌خورد که این روزها فیلمسازان زیرزمینی سینمای ایران مشهور شدند و آثارشان ددر جشنواره‌های معتبر خارجی دست به دست می‌چرخد. در این میان حق با کیست؟ با فیلمسازانی که در ایران باقی مانده و کار می‌کنند یا سلبریتی‌هایی که مهاجرت کرده‌اند و در خارج از کشور پیام سرنگونی به جامعه ایران مخابره می‌کنند؟ آیا حق با کاظم دانشی است یا حمید فرخ نژاد؟ شاید هیچ کدام. شاید سینمای ایران بعد از این همه تحولات اجتماعی در سال‌های اخیر و دو جنگ دوازده و چهل روزه نیاز به یک روایت سوم برای بازنگری خود دارد. همه چیز به این بستگی دارد که ما صراحتاً مشخص کنیم که از سینما چه می‌خواهیم. تا بعد بتوانیم بفهمیم که آیا سینما پاسخگوی مردمی که در این روزها درگیری‌های مهم تری دارند هست یا نه.

شاید اگر جامعه ایران جامعه نرمال تری بود و همه چیز از آلودگی هوا تا روابط اجتماعی در آن با سیاست گره نمی‌خورد می‌شد از سلبریتی‌های فرهنگی و هنری هم انتظاری مشابه نمونه‌های خارجی داشت. بعید است برای مردم آمریکا مهم باشد تام کروز یا برد پیت هوادار کدام جریان سیاسی هستند یا موضع خاویر باردم درباره ماجرای غزه و مردم فلسطین چیست.

اما در جامعه ایران ماجرا فرق می‌کند. همه از سلبریتی‌ها توقع دارند که در برابر حوادث سیاسی و اجتماعی موضع بگیرند. آن هم نه موضع شخصی خود آنها بلکه موضعی که خودشان دوست دارند بشنوند. این کار را برای بازیگر یا ورزشکاری که کارش چیز دیگری است سخت می‌کند. مردم در شرایط سخت معیشتی و سیاسی که باعث نارضایتی گسترده و عمیق شده است توقع دارند که حرف‌هایی را که زدن آنها برایشان هزینه دارد از زبان سلبریتی‌ها بشنوند. در حالی که باید این نکته را بدانند و متوجه باشند که بازیگر و فوتبالیست بازیگر و فوتبالیست است نه چریک سیاسی. حتی براندو که [illegible] و ساز و کار آن داشت را امروز به واسطه قدرت بازیگری‌اش به یاد می‌آورند نه اظهار نظرهای بعضاً سیاسی. یا دکتر سوکراتس چپ گرای تیم ملی برزیل هم به واسطه توانایی‌اش در فوتبال شناخته شد تا مواضع سیاسی که در زمانه خودش اتخاذ کرده بود. این حجم توقع از سلبریتی‌ها حقیقتاً متناسب با جایگاه آنان نیست و بیش از هر چیز بیانگر استیصال مردمی است که هیچ تریبونی برای بیان مکنونات قلبی خود ندارند. این شکل از موضع‌گیری بیش از هر چیز باید برای حاکمیت یک هشدار صریح باشد که با سیاست‌های غلط و تنگناهای فراوانی که برای مردم ایجاد کرده است همه چیز را از جایگاه اصلی خود خارج و جامعه را دچار یک آشفتگی اساسی کرده است.

سینماگرانی که در ایران باقی مانده‌اند و بسیار کار می‌کنند و بابت کارهایشان دستمزدهای هنگفت می‌گیرند بیش از آن که راویان حقیقی جامعه ایران باشند جاعلان خوبی هستند. برای اثبات این موضوع کافیست سری به خیابان‌های ایران بزنید تا متوجه شوید زنان با پوشش‌های متفاوتی در سطح شهر تردد می‌کنند، روابط جوانان هیچ نسبتی با روابطی که در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی نمایش داده می‌شود ندارد و نسل موسوم به زد و آلفا هم به کل از سینمای ایران غایب است. منتها هوشمندی یا زرنگی فیلمسازان باقی مانده در ایران این است که با سوار شدن بر روی موج ناشی از پیامدهای دو جنگ تحمیلی روایت خود حقیقی را جا می‌زنند و علت چنین موضع‌گیری‌هایی را هم وطن پرستی عنوان می‌کنند. اما خودشان هم خوب می‌دانند؛ که وطن گستره وسیعی از مردم را در برمی‌گیرد که دختران بی حجاب و جوانان نسل زد و آلفا هم بخشی از آنها هستند.

موسیقیدان ایرانی که عضو آکادمی گرمی شد

عضویت سهراب پورناظری در آکادمی گرمی بار دیگر بحث قدیمی درباره ظرفیت جهانی شدن موسیقی ایرانی را زنده کرده است؛ موسیقی‌ای که سال‌ها به دلیل ویژگی‌های تاریخی و ساختاری‌اش، کمتر واجد امکان حضور در بازار جهانی دانسته می‌شد، اما نسل تازه‌ای از آهنگسازان و نوازندگان با عبور از مرزهای سنتی و تجربه موسیقی تلفیقی، تلاش کرده‌اند زبان موسیقی ایران را به مخاطبان جهانی نزدیک‌تر کنند. مسیر حرفه‌ای پورناظری، از تنبور و گروه شمس تا همکاری با محمدرضا و همایون شجریان و حالا حضور در آکادمی گرمی، یکی از نمونه‌های این تغییر مسیر است.

به گزارش رویداد۲۴، بسیاری از کارشناسان حوزه موسیقی در ایران اعتقاد دارند موسیقی ایران به واسطه تاریخ و پیشینه‌ای که دارد، نمی‌تواند تبدیل به یک موسیقی جهانی شود. حتی چهره نامداری مثل محمدرضا شجریان هم اعتقاد داشت موسیقی ایرانی به واسطه تاریخ پرماجرا و خشونت‌باری که داشته، موسیقی بسیار غمگین، ساده و محزونی است و چنین موسیقی‌ای ظرفیت جهانی شدن ندارد.

بعد از شنیدن چنین اظهارنظرهایی، پرسشی که برای بسیاری از علاقه‌مندان به حوزه موسیقی پیش می‌آمد این بود که نسبت موسیقی به طور خاص و هنر ایرانی به طور عام با جهان چیست؟ آیا اساساً هنر ایرانی قابلیت عرضه در بازارهای جهانی را دارد یا خیر؟ چون تا پیش از کسب جایزه گرمی توسط کیهان کلهر یا عضویت سهراب پورناظری در آکادمی گرمی، کمتر خبری از هنر ایرانی در سطح جهان منتشر می‌شد. خبری هم اگر بود، بیشتر مربوط به حوزه سینما بود که از اساس یک هنر–صنعت غربی است و بر پایه تفکر و تکنولوژی غرب شکل گرفته است.

در سالیان اخیر، اما موسیقیدان‌های نسل جدید ایران رویه کاری خود را عوض کرده‌اند. آنها خودشان را در چارچوب‌های تنگ موسیقی ایرانی محصور نکردند و تصمیم گرفتند به موسیقی تلفیقی روی بیاورند و همین رویکرد باعث شده است که بتوانند جایی در بازار جهانی موسیقی و برخی گروه‌های موسیقی غربی پیدا کنند. این رویکرد نشان داد موسیقی سنتی ایرانی، برخلاف باورهای اولیه‌ای که وجود داشت، انعطاف‌پذیری بالایی دارد و می‌تواند بخشی از بازار فرهنگی جهان باشد. عضویت سهراب پورناظری در آکادمی گرمی هم مؤید این نکته است که موسیقی ایرانی قابلیت جهانی شدن دارد.



سهراب پورناظری متولد ۵ اردیبهشت ۱۳۶۲ در کرمانشاه است. او در خانواده‌ای هنری پرورش یافت؛ پدرش کیخسرو پورناظری از موسیقیدانان برجسته و بنیان‌گذار گروه شمس است که او نیز تنبور را نزد پدر آغاز کرد. او در کودکی با خواندن اشعاری از مولوی و حافظ، گوش موسیقایی خود را پرورش داد و رفته‌رفته تکنیک‌های نوازندگی را فرا گرفت.

در ۱۳ سالگی، زیر نظر اردشیر کامکار، به مدت دو سال به یادگیری پیشرفته تکنیک‌های نوازندگی کمانچه پرداخت. او به قدری بااستعداد بود که از ۱۵ سالگی در کنار پدرش به نوازنده تنبور گروه شمس تبدیل شد.

سهراب پورناظری در دهه ۱۳۸۰ فعالیت حرفه‌ای خود را گسترش داد و با هنرمندان مطرحی به همکاری پرداخت. او به همراه برادرش تهمورس، آهنگسازی قطعاتی برای خوانندگان برجسته را انجام داد و در پروژه‌های موسیقی تلفیقی حضور یافت.

پورناظری فعالیت خود را فقط به موسیقی محدود نکرد و در سینما هم به فعالیت پرداخت. کار پورناظری در سینما برای اولین بار در سن ۲۶ سالگی و در سال ۱۳۸۸ با «بی‌پولی» آغاز شد. پورناظری در سال ۱۳۹۰ به درجه‌ای از حرفه‌ای‌گری رسید که استاد شجریان همراه او قطعه «رنگ تعالی» را کار کرد که در سال ۱۳۹۱ منتشر شد.

هرچند این همکاری‌ها برای جامعه موسیقی قابل توجه بود، اما شهرت عمومی پورناظری بیشتر با ساخت موسیقی فیلم «آرایش غلیظ» در سال ۱۳۹۲ به اوج رسید. موسیقی متفاوت این فیلم، به‌ویژه قطعه محبوب «با من صنما» با صدای همایون شجریان، نام پورناظری را بر سر زبان‌ها انداخت و او را به عنوان آهنگسازی خلاق معرفی کرد. در سال ۱۳۹۴، با همکاری همایون شجریان، آلبوم «خداوندان اسرار» را منتشر کرد که به شدت مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۹۵ آلبوم «نیشتمان» را با الهام از آهنگ‌های کردی و تلفیق آن با موسیقی جهانی منتشر کرد. در سال ۱۳۹۷ هم آلبوم «ایران من» را همراه با همایون شجریان منتشر کرد که بسیار مورد توجه قرار گرفت و ترکیبی هنرمندانه از اشعار کهن فردوسی و سعدی تا سروده‌های معاصر را ارائه داد. پورناظری بعدها با حضور در تئاتر عظیم «سی» و «سی‌صد» هم توانست در تلفیق موسیقی و تئاتر موفق باشد.

پورناظری دو بار پیاپی (۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) برنده جایزه منتقدان و نویسندگان سینمایی برای بهترین موسیقی فیلم شده است. وی سابقه نامزدی سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را نیز در کارنامه دارد؛ از جمله در سی‌وششمین دوره جشنواره فجر (۱۳۹۶) برای موسیقی فیلم «شعله‌ور» کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن شد. او جوایزی مثل جایزه سالانه جشن حافظ را هم کسب کرده است. آلبوم «رگ خواب» که حاصل همکاری او با همایون شجریان است، در سال ۱۳۹۶ در جشن سالانه موسیقی ما، تندیس طلایی بهترین آلبوم موسیقی فیلم و بهترین آلبوم از دید کارشناسان را کسب کرد. قطعه «ابر می‌بارد» از همین آلبوم نیز به عنوان بهترین قطعه موسیقی سنتی و معاصر (بخش مردمی) شناخته شد.

کوتاه داخلی

فروش ۴۴ میلیاردی سینما در دومین هفته مرداد

PDF Compressor Free Version

[illegible] سینمایی در هفته گذشته در حالی میزبان ۲۹۰ هزار مخاطب شدند که گیشه این سالن‌ها به فروشی



معادل ٤٤ میلیارد تومان دست یافتند. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی سینماشهر، بیستمین هفته از سال جاری در حالی سپری شد که در بازه زمانی شنبه ۱۰ مرداد تا پایان روز جمعه ۱۶ مرداد سینماهای سراسر کشور با توجه به فرارسیدن ایام اربعین حسینی و تعطیلی سالن‌ها از ساعت ۱۸ روز دوشنبه ۱۲ مرداد تا صبح چهارشنبه ۱٤ مرداد میزبان ۲۹۰ هزار و ٦۲۸ مخاطب شدند و گیشه سالن‌ها نیز به فروشی معادل ٤٤ میلیارد و ٤۲۷ میلیون تومان رسیدند. پردیس سینمایی کوروش با ۱۸ هزار و ۲٦۹ مخاطب، پردیس سینمایی ایران‌مال با ۱۵ هزار و ۲۲۵ مخاطب، پردیس سینمایی هدیش با ۹ هزار و ٦۲ مخاطب، پردیس سینمایی آزادی با ۷ هزار و ۸٤۹ مخاطب و پردیس سینمایی اکومال کرج با ۷ هزار و ۳۰٦ مخاطب در رتبه‌های اول تا پنجم سینماها در هفته گذشته قرار گرفتند. همچنین فیلم‌های سینمایی «زنده‌شور» ساخته کاظم دانشی با ۱۲۸ هزار و ۵۰۱ مخاطب، «استخر» به کارگردانی سروش صحت با ۱۱۱ هزار و ۲٦۸ مخاطب، «ماجراجویی در جزیره جیمز باند» به کارگردانی بهمن گودرزی با ۱۸ هزار و ٥٤ مخاطب، «لباس شخصی» به کارگردانی هادی نائیجی با ٦ هزار و ۹٦۰ مخاطب و «آنتیک» نیز با ۵ هزار و ۳٦۳ مخاطب ۵ فیلم برتر هفته گذشته بودند.

توقیف ۲۰ ساله به پایان رسید

فیلم توقیفی سامان مقدم پس از نزدیک به دو دهه سرانجام به اکران آنلاین رسید؛ «صد سال به این سال‌ها» روایتی از سه دهه زندگی یک زن است که حالا، سال‌ها پس از ساخته‌شدن، دوباره در معرض قضاوت مخاطبان قرار گرفته است. صد سال به این سال‌ها یک فیلم تاریخی ایرانی محصول سال ۱۳۸٦ است. نویسندگی و کارگردانی این فیلم



را سامان مقدم بر عهده داشته و مرتضی شایسته فیلم را تهیه کرده است. در این فیلم بازیگرانی مانند فاطمه معتمدآریا، پرویز پرستویی، رضا کیانیان، علی شادمان، نگار جواهریان، علی قربان‌زاده، امیرحسین آرمان، بهاره افشاری، ابراهیم آبادی، کامیار شایان آزاد، فریبا جدی‌کار، پوریا پرستویی و مهیار پور حسابی به ایفای نقش پرداخته‌اند. این فیلم در دوازدهمین دوره جشن خانه سینما (۱۳۸۷) در بهترین چهره‌پردازی (مهین نویدی) برنده تندیس زرین مسابقات شده است. همچنین در پنج بخش بهترین نقش اول زن (فاطمه معتمدآریا)، بهترین فیلمبرداری (محمود کلاری)، بهترین صداگذاری و میکس (علیرضا علویان)، بهترین تدوین (محمدرضا موینی) و بهترین موسیقی متن (کارن همایون‌فر) کاندیدای مسابقات بوده است. فیلم مقدم بعد از نزدیک به بیست سال توقیف در پلتفرم پخش فیلم و سریال فیلم نت اکران شده است. شاید بزرگ‌ترین مشکل سامان مقدم این است که کارنامه حرفه‌ای که برای خود ساخته فاقد یک نگاه و جهان بینی منسجم است. فیلم‌های او اکثراً فیلم‌های متوسطی هستند که در ژانرهای مختلف ساخته شده‌اند. مشکل اصلی فیلم‌های مقدم این است که از یک حدی فراتر نمی‌روند و صد سال به این سال‌ها هم این مشکل را دارد. شاید اگر این فیلم در همان زمان خودش اکران می‌شد به یکی از مهم‌ترین فیلم‌های مهم سال اکران تبدیل می‌شد. اما در شرایط فعلی نمی‌توان آن را فیلم مهمی دانست. گذر زمان باعث شده فیلم زیادی کهنه باشد و حال و هوای آن به درد امروز جامعه ایران نخورد. پس در یک نگاه کلی صد سال به این سال‌ها در نگاه اول جنجالی به نظر می‌رسد، اما بعد از تماشا احساس می‌کنی زیاد هم ارزش تماشا کردن نداشت و می‌شد وقت تماشای این فیلم را به کارهای مهم تری اختصاص داد.

ماهی‌های زنگ‌زده بهترین انیمیشن جشنواره آمریکایی شد

انیمیشن کوتاه «ماهی‌های زنگ‌زده» جایزه بهترین انیمیشن جشنواره آمریکایی را کسب کرد. به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین به نقل از روابط عمومی اثر، انیمیشن کوتاه «ماهی‌های زنگ‌زده» (The Rusty Fish) به کارگردانی میلاد فتحیان در هفدهمین دوره جشنواره IndieFEST Film Awards در آمریکا به عنوان برنده جایزه بهترین انیمیشن معرفی و موفق به دریافت تندیس طلایی و سرتیفیکیت از این فستیوال شد. جشنواره IndieFEST Film Awards هر سال آثار فیلم مستقل در بخش‌های مختلف از انیمیشن و مستند تا فیلم کوتاه و بلند را داوری می‌کند. این رویداد در تاریخ یک آگوست (۱۰ مرداد) برگزار شد. «ماهی‌های زنگ‌زده» درباره یک شکارچی



است که با بی رحمی به طبیعت و دیگر موجودات آسیب وارد می‌کند اما در نهایت کوچکترین بخش از طبیعت آسیب را به خود او باز می‌گرداند. این جشنواره با ۱۷ سال سابقه و مورد تأیید IMDB و تمرکز بر سینمای مستقل جهانی از برندگان اسکار تا استعدادهای نوظهور را در خود جایی داده است. جشنواره‌هایی که در IMDB به رسمیت شناخته می‌شوند، اغلب در رزومه حرفه‌ای فیلمسازان، درخواست‌های فستیوال بعدی و ارتباط با توزیع‌کنندگان و تهیه‌کنندگان نقش پررنگی دارند؛ به‌ویژه برای انیمیشن مستقل که مسیر تجاری آن با فیلم بلند متفاوت است.

نامزدی بهترین فیلم و بازیگری دوچرخه آبی در ۲ جشنواره جهانی

فیلم کوتاه «دوچرخه آبی» نامزد بهترین فیلم جشنواره فیلم کوبانی آلمان و بهترین فیلم و بهترین بازیگر جشنواره فیلم کوتاه «سینما المتنقلة» عراق شده است. به گزارش مهر به نقل از روابط‌عمومی پروژه، فیلم کوتاه «دوچرخه آبی» به نویسندگی و کارگردانی سیاوش ساعدپناه و تهیه‌کنندگی سعید نجاتی و محصول باشگاه فیلم اشراق، در تازه‌ترین حضور خود، موفق به کسب عنوان نامزدی جایزه بهترین فیلم و بهترین بازیگر هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه «سینما المتنقلة» عراق شد. جشنواره بین‌المللی «سینما المتنقلة» از رویدادهای سینمای کوتاه عراق است که هر ساله در بغداد برگزار می‌شود و در دوره هشتم خود، با حضور فیلمسازانی از کشورهای مختلف، میزبان آثار منتخب در بخش‌های گوناگون است. علاوه بر این جشنواره، این فیلم کوتاه نامزد نهایی هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوبانی آلمان نیز شده و قرار است در بخش رسمی جشنواره در آلمان به



نمایش درآید. این جشنواره از ۱۳ تا ۱۵ شهریور ۱٤۰۵ برابر با ٤ تا ٦ سپتامبر ۲۰۲٦ در سالن سینمایی Schauburg Filmpalast شهر گلزن‌کیرشن آلمان برگزار خواهد شد. فیلم کوتاه «دوچرخه آبی» همچنین در ۳ جشنواره جهانی دیگر یعنی بخش رسمی هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه مزده (Mezda International Short Film Festival ۲۰۲٦) کشور لیبی، جشنواره فیلم ظفار کشور عمان و جشنواره بین‌المللی فیلم هوش مصنوعی کره جنوبی ۲۰۲٦ راه پیدا کرده است. «دوچرخه آبی» روایتی اجتماعی و انسانی از زندگی یک معلم در روستایی کوهستانی در منطقه اورامانات است؛ داستانی درباره فقدان، همدلی، بخشش و پیوند انسان‌ها که در قالب نماد یک دوچرخه آبی روایت می‌شود.